

اسناد تاریخی

○ اهمیت نقش روحانیون در هدایت مبارزات مردم مسلمان (۲)

○ دستگیری حضرت امام خمینی و قیام ۱۵ خرداد ۴۲

به روایت اسناد ساواک

○ تحلیل يك روحانی نمای وابسته، از امام خمینی

○ ساواک شایعه می سازد، شهربانی تکذیب می کند

○ زنان مسلمان و قیام ۱۵ خرداد

○ علمای اسلام و چاپ قرآن از طرف شاه

○ فراماسونری و تشکیلات آن در ایران

اهمیت نقش روحانیون در هدایت مبارزات مردم مسلمان (۲)

در شماره گذشته مجله، نامه ای از حضرت آیت ا... خامنه ای خطاب به شهید آیت ا... صدوقی در دوران قبل از پیروزی انقلاب، منتشر کردیم. در این شماره نیز یکی دیگر از نامه های معظم له را خطاب به شهید صدوقی که تحلیل واقع گرایانه ای از مسائل دوران انقلاب اسلامی را دربردارد، به دلیل اهمیت بسیار آن به چاپ می رسانیم.

متن نامه افشاگر تبعیدی مجاهد، عالم آگاه و متعهد حضرت
مستطاب حجت الاسلام آقای سیدعلی خامنه ای زید عزه العالی

بِسْمِ تَعَالَى

حضرت مستطاب آیت الله آقای حاج شیخ محمد صدوقی یزدی دامت برکاته با نهایت تأسف اطلاع یافتیم که شدت و خشونت پلیس و مردم ناشناسی کسانی که خود را در خدمت مردم معرفی میکنند در یزد به کشتار و زخمی شدن مردم مسلمان منتهی گشته و زخم عمیق و لبالب از خونی را که فاجعه ای قم و تبریز بر پیکر ملت وارد ساخته بود بضربتی دیگر در یزد و جهرم و چند شهر دیگر، عمیق تر و خونین تر نموده است. جای آنست که این ددمنشی مصیبت آفرین به حضرت تعالی و همه ی علمای متعهد که آموزگاران اخلاق و انسانیت اند، تسلیت گفته شود.

برخاطر مبارک پوشیده نیست که حوادث مزبور که بطور پیوسته در فاصله های چهل روز در پی یکدیگر اتفاق افتاده و کم کم به همه ی جای کشور و در ابعادی گسترده کشینده شده است دو موضوع اساسی را آشکار می سازد و از دو تصمیم قاطع پرده

برمیدارد:

نخستین موضوع، نارضائی دستگاه حکومت ایران از خودآگاهی ملت است و تصمیم برسرکوب عامه‌ی خلق و بالخصوص عناصری که آنان را در این آگاهی و درک موقعیت، مدد می‌دهند.

و دومین موضوع، نارضائی ملت از این دستگاه جابر و جائز است و تصمیم بر یکسره کردن کار خویش و گسستن ریشمانی که هر لحظه بر گردن او محکمتر می‌شود و گلوی او را بیشتر می‌فشارد.

در این رویارویی-مانند همه‌ی مبارزاتی که میان حکمرانان با ملت‌ها برپا بوده-حق با ملت است و قدرت حاکم در موضع باطل و زورگویی است. تنها همین که دستگاه حاکم با ملت خود بستیزه‌گری و کینه‌ورزی برخاسته کافی است که آن را محکوم کند و بطلان و ناحقی آن را مسلم سازد.

حکومت ایران چون میدانند که خصومت او با ملت و بی‌اعتمادی و نفرت ملت از او، دلیل واضحی بر ناحق بودن اوست سراسیمه و با روشهای فضاحت‌آمیز و ناشایانه تلاش می‌کند تا در سطح جهانی، واقعیت موجود را تحریف نموده روابط دولت و ملت را در ایران بگونه‌ای دور از واقعیت وانمود سازد. سخنگویان دستگاه مسلط، پیوسته میکوشند مردم را طرفدار خود و همه‌ی این تظاهرات عظیم و وسیع ضد حکومت را از طرف عده‌ای معدود وانمود کنند. و چون تمامی وسائل خبری ایران و بعضی از وسائل خبری خارج از ایران را در اختیار دارند ساده‌لوحانه می‌پندارند که در این کار موفق می‌باشند.

غافل از آنکه کار از این مرحله‌ها گذشته و فریاد خشم آلود مردم، از مرزهای ایران عبور کرده و به بسیاری گوشه‌های شنوار رسیده است. در دنیا کم نیستند کسانی که انگیزه و مطلوب ملت ایران از این تظاهرات را میدانند. می‌دانند که ایرانی می‌خواهد به دنیا اعلام کند که در کشور وی آزادی و عدل اجتماعی و احترام به حیثیت انسانی وجود ندارد و وی مصمم است که بر ضد این شیوه‌ی ستمگرانه اقدام کند.

این آگاهی در سطح جهانی، خاصیت همگانی بودن تظاهرات ملت و یکصدابودن آنان در مخالفت و اعتراض بر حکومت است. امروز مردم ایران بیدار شده‌اند. گسترش و اوجگیری مبارزات آنان که در همه‌ی سطوح با عشق به آرمانهای انسانی اسلام توأم

اهمیت نقش روحانیون در هدایت مبارزات مردم مسلمان (۲)

است، این بیداری و خودآگاهی را تأیید می‌کند. در بزرگترین شهرها و در بسیاری از شهرهای کوچک و حتی در بخش‌های دور افتاده، اظهار انزجار و بیزاری از شیوه‌ی عمل حکمرانان ایران بصورتی بیسابقه انجام گرفته است. در بیشتر این شهرها مردم در بزرگترین اجتماعاتی که در آنجا سابقه داشته این بیزاری و نفرت را ابراز کرده و همه‌ی قشرها از دانشجوی و روحانی و روشنفکر تا کارگر و کشاورز و پیشه‌ور و حتی کارمندان و حقوق‌بگیران دولت همصدا با علمای بزرگ مذهبی، سخن واحدی را تکرار کردند: وضع موجود ایران را و نظامی را که به این وضع منجر گشته تقیح و تخطئه نمودند. فقدان آزادیهای اجتماعی و رفاه اقتصادی و صلاح اخلاقی را که منشأ اصلی آن شیوه‌ی حکومت در ایران و روابط غیرمنطقی و غیرانسانی حکمرانان با مردم است محکوم دانستند و وفاداری خود را به علمای مترقی و متعهد مذهبی و پیوند ناگسستگی خود را با اسلام مؤکداً اعلام داشتند.

علیرغم آنکه بلندگویان رژیم ایران بطور بخشنامه‌ای و کپی‌ای اصرار و تأکید می‌کنند که معترضان و مخالفان حکومت، اقلیتی معدودند و حتی برخی از این سخنگویان بشکلی کودکانه ادعا نمودند که تظاهرکنندگان و شورشیان تبریز از آنسوی مرزها به ایران آمده‌اند! واقعیت‌های شبهه‌ناپذیر نشان داده و خواهد داد که مطلب کاملاً بعکس است. این مدافعان و طرفداران دولتند که عده‌ای معدودند که حتی نام یک اقلیت نیز نمیتوان به آنان داد. مسئولان تشکیل اجتماعات دولتی نیک میدانند که دولت هنگامی که میخواهد عده‌ای را به طرفداری از خود در جایی گرد آورد و اجتماعی تشکیل دهد با چه دردسر و اشکالی روبرو است تا آنجا که مجبور است حتی کارمندان فرورته‌ی خود را نیز با تهدید یا تطمیع به محل اجتماع بکشاند. اینها هنگامیکه این را با اجتماع عظیم و سیل‌آسای مردم قم و تبریز و تهران و سایر شهرها مقایسه می‌کنند و می‌بینند که با یک اشاره‌ی پیشوایان مذهبی چگونه قشرهای مختلف مردم در مجامع و مساجد گرد می‌آیند یا در خیابانها براه می‌افتند یا مغازه‌ها و کارگاههای خود را تعطیل می‌کنند یا کلاسهای درس را ترک می‌گویند... خود قلباً اذعان و تصدیق می‌کنند که گروه مخالفان دستگاه حاکم، یک اقلیت گمراه و فریب‌خورده نیست بلکه یک اکثریت آگاه و بااراده و زمان‌شناس است که از موقعیت متزلزل حکومت ایران و اضطراب‌های جهانی آن استفاده می‌کند و خشم فروخورده چندین ساله خود را ابراز میدارد.

در رابطه با درك همین حقیقت است که یکی از سخنگویان رژیم در مصاحبه‌ای قشرهای فعال در تظاهرات اخیر یعنی روحانیون، دانشجویان و بازرگانان و پیشه‌وران را مخاطب ساخته ضمن آنکه با لحنی تملق‌آمیز می‌کوشد دل‌گروههای مزبور را بدست آورد با لحنی رسا اعتراف می‌کند که همه‌ی گروههای نامبرده در عملیات مخالفت‌آمیز علیه دستگاه، شرکت و دخالت داشته‌اند.

دستگاه حاکم ایران باید بداند که نه تنها اکثریت مردم ایران بلکه همه‌ی کسانی که در سطح جهانی با مسائل ایران برخورد داشته‌اند ماهیت قضایای کشور ما را میدانند و از فقدان آزادیهای مدنی و حقوق انسانی در این کشور بخوبی آگاهند. آنان هنگامیکه از قول دیپلمات ایرانی در اطریش می‌شنوند که وی تظاهرات اخیر ایران را دلیل وجود آزادی و تظاهرکنندگان را مخالف آزادی! معرفی می‌کند از خود می‌پرسند آیا دولت آزادیخواه و دموکرات ایران!! در برابر این تظاهرکنندگان چه عکس‌العملی نشان داد؟ آیا همانطور که در کشورهای آزاد معمول است پلیس را به محافظت از تظاهرکنندگان گماشت؟ یا آنان را با خشن‌ترین وجهی تار و مار ساخت و حتی مأمورانی را که در نابودی و سرکوب تظاهرات و تظاهرکنندگان لیاقت بخرج داده بودند تشویق و ترفیع کرد و آنهایی را که در این مأموریت سستی و تردید نشان داده بودند مورد موأخذة قرارداد؟ مردم دنیا میگویند آن تظاهراتی دلیل آزادی است که با گلوله و رگبار آتش قداره‌بندان حکومت، پاسخ داده نشود و دهها کشته و زخمی و صدها زندانی و تبعیدی برجای نگذارد. آن تظاهراتی را میتواند دلیل وجود آزادی بداند که انگیزه‌ی آن اختناق و فشار بیش از حد تحمل نباشد. وقتی تظاهرات کاملاً آرام قم با چنان قساوت و وحشیانه‌ای روبرو می‌شود و وقتی تشکیل مجالس ترحیم شهدای قم و تبریز با چنان خشونت احمقانه‌ای سرکوب می‌گردد و وقتی گرامیداشت خاطره‌ی شهیدان تبریز، در قم و یزد و جهرم و اهواز و . . . به خشونت‌های کمابیش مشابهی منجر می‌شود چگونه یک مقام رسمی شرم نمی‌کند که چنین تظاهرات سرکوب شده‌ای را که طی آن عده‌ای غیرنظامی بی‌سلاح، با اسلحه‌ی پلیس درو شده‌اند، دلیل وجود آزادی و دموکراسی قلمداد نماید؟! تشخیص و برداشت واقع‌بینانه‌ی ایرانیان و بسیاری از جهانیان از مسائل ایران موجب آنست که همه‌ی تدابیری نیز که حکومت برای موجه‌نشان دادن موقع خود بکار می‌بندد در چشم ناظران ایرانی و بیگانه، تلاشهای ناموفقی جلوه‌کند که غرض از آن

همانا تحریف حقایق و گمراه کردن اذهان و در نتیجه ادامه ستم موجود است .
هیچکس در ایران شک ندارد که تشکیلات ضد مردمی جدیدی که بنام « کمیته ی اقدام ملی » نامیده شده همان دستی است که کشتار قم و تبریز و یزد و جهرم و اهواز را راه انداخته و اکنون از آستین کمیته ای که میخواهد خود را بنام یک واحد ملی جا بزند بیرون آمده است . همه میدانند که تظاهرات ضد دولتی را ملت براه انداخته و بر آن پافشاری کرده است . پس این کدام « ملت » دیگر است که میخواهد از این پس به جنگ ملت ایران بیاید و صداها را در گلو خفه کند؟! جای کمترین تردید نیست که اولیای حکومت ، چون نیروهای پلیس و ارتش را در رویارویی با ملت و برادرکشی و بیگناه کشی ، دارای کارآئی لازم نیافته اند دست به تشکیل جمعیتی از گستاخ ترین و بی پرواترین عناصر آدمیخوار زده و میخواهند فاجعه های احتمالی آینده و کشتارهای جمعی و شاید نیز ترورهای فردی خود را زیر نام « کمیته ی اقدام ملی » انجام دهند . از هم اکنون میدانیم و اطمینان داریم که این تدبیر نیز محکوم بشکست است و اینگونه اقدامات مذبحخانه نخواهد توانست آب رفته را بجوی برگرداند و برای دستگامی که روبروی مردم قرار داشته و هرگز نخواسته اراده و قدرت ملت را بچیزی بگیرد ، آبرویی درست کند .

در پایان ، یاد شهادت برادران یزدی را گرامی و مقدس دانسته عزت و سرافرازی و موفقیت جنابعالی و دیگر علمای آگاه و متعهد یزد را که ملجأ و پناهگاه و پشتیبان و همراه مردم بوده و در ارشاد و هدایت خلق کوشیده اید از خداوند متعال مسئلت می نمایم .

والسلام علیکم و علی عبادالله الصالحین .

آنه سمیع مجیب .

۱۹ فروردین ۱۳۵۷ - ایرانشهر (= ایران ریزه)

سیدعلی خامنه ای

(تکثیر از طلاب حوزه علمی قم)

برای بازگشت تبعیدیان نستوه پیاخیزیم

مقاله افشار شیعیبی مجاهد، عالم آگاه و متعهد حضرت
مستطاب حجت الاسلام آقای سید علی خامنه ای زهد عزه العالی

بسمه تعالی

حضرت مستطاب آیت الله آقای حاج شیخ محمد صدوقی یزدی دامت برکاته

با نهایت تأسف اغلاج یافتیم که شدت و خشونت پلیس و مردم ناشناسی کسانی که خود را در خدمت مردم معرفی میکنند در یسزد به کشتار روز خنی شدن مردم سلیمان منتهی گشته و زخم عمیق و لایبالب از خونریزی راکه طلجمه ی قم و تبریز به بیگم ملت وارد ساخته بود بضریتی دیگر یسزد و جهرم و چند شهر دیگر عمیق تر و خونین تر نموده است . جای آنست که این در منشی مهمت آفرین به حضرت تعالی و همه ی علمای متعهد که آموزگاران اهلان و انسانیت اند ، تسلیت گفته شود .

برخاطر بسیارک پوشیده نمت که حوادث مزبور که بطور بیوسته در فاصله های چهل روز در پی یکدیگر اتفاق افتاده و یکم به همه ی حای کشور و راهبادی گسترده کشیده شده است دو موضوع اساسی را آشکار می سازد و از دو تصمیم قاطع برده بر میآید :

نخستین موضوع ، ناراضائی دستگاه حکومت ایران از خود آگاهی ملت است و تصمیم بر سرکوب طامه ی خلق و بالخصوص غنایری که آنان را در این آگاهی و در یک موقعیت ، صدر میدهند .

دومین موضوع ، ناراضائی ملت از این دستگاه حایبر و جاشراست و تصمیم بر یکسره کردن کار خویش و گسستن ریسمانی که عملحظه برگردن او محکمتر می شود و گلوی او را بیشتر می فشارد .

در این رویارویی - مانند همه ی مبارزاتی که میان حکمرانان با ملت ها برپا بوده - حق با ملت است و قدر حاکم در موضع باطل و زورگویی است . تنها همین که دستگاه حاکم با ملت خود بستیزه گری و کینه - ورزی برخاسته کافی است که آن را محکوم کند و بدلان و نایحق آن را مسلک سازد .

حکومت ایران چون میدانند که خصوصت او با ملت و بی اعتمادی و نفرت ملت از او ، دلیل واضحی بر نایحق بودن اوست سرسایمه و باروشهای فضاحت آمیز و ناشایانه تلاش می کنند تا در سطح جهانی ، واقعیت موجود را تحریف نموده و روایت دولت و ملت را در ایران بگونه ای دراز واقعیت وانمود سازد . سخنگویان دستگاه سلطه ، پیوسسه میکوشند مردم را غافل و خرد و همه ی این تظاهرات عظیم و وسیع ضد حکومت را از طرف عده ای ممدود وانمود کنند . و چون تمامی وسائل خبری ایران و بعضی از وسائل خبری خارج از ایران را در اختیار دارند ساده لوحانه می - پندارند که در این کار موفق میباشند .

غافل از آنکه کار از این مرحله ها گذشته و فرهاد خشم آلود مردم ، از مرزهای ایران عبور کرده و به بسیاری گوشه های شنوا رسیده است . در دنیا کم نیستند کسانی که انگیزه و مطلوب ملت ایران از این تظاهرات را میدانند . می - دانند که ایرانی میخواندند به دنیا اعلام کنند که در کشوری آزادی و عدل اجتماعی و احترام به حیثیت انسانی وجود ندارد و وی مصمم است که بر ضد این شیوه ی ستمگرانه اقدام کند .

این آگاهی در سطح جهانی ، خاصیت همگانی بودن تظاهرات ملت و یکصد بودن آنان در مخالفت و اعتراض بر حکومت است . امروز مردم ایران بیدار شده اند . گمتر تر و او جگرتری مبارزات آنان که در همه ی سطوح با عشق به آرمانهای انسانی اسلام توأم است ، این بیداری و خود آگاهی را تأیید می کند . در بزرگترین شهرها و در

اهمیت نقش روحانیون در هدایت مبارزات مردم مسلمان (۲)

شمن تا صبح آفشاگر . . .

صفحه ۲

بسیار از شهرهای کوچک و حتی در بخش های دور افتاده ، اما باران زجا روی تزاری از شیوه ی عمل حکمرانان ایران بصورتی مسابقه انجام گرفته است . در بیشتر این شهرها مردم در بزرگترین اجتماعاتی که در آنجا سابقه داشته این بیزاری و نفرت را به راز کرده و همه ی قشرها از دانشجو و روحانی و روشنفکر تا کارگر و کشاورز همیشه و روحی کارمندان و حقوق بگیران دولت همصدا با علمای بزرگ مذهبی ، سخن واحدی را تکرار کردند : وضع موجود ایران را و نظایر آن را که به این وضع منجر گشته تفسیح و تخطئه نمودند . فقدان آزادیهای اجتماعی و رفاه اقتصادی و صلاح اخلاقی را که منشأ اصلی آن شیوه ی حکومت در ایران و روابط غیر منطقی و غیر انسانی حکمرانان با مردم است محکوم دانستند و وفاداری خود را به علمای متمدنی و متعهد مذهبی و پیوند ناگسستنی خود را با اسلام موکدا اعلام داشتند .

علیرغم آنکه بلندگويان رژیم ایران بطور خشنامه ای و کبیبه ای اسرار و تاکیدی می کنند که معتزلمان و مخالفان حکومت ، اقلیتی معدودند و حتی برخی از این سخنگويان بشکلی کورگانه ادعا نمودند که تظاهرات کنندگان و شورشیان تیریز از آسوی مرزها به ایران آمده اند ! واقعیت های شیبه ناپذیر نشان داده و خواهد داد که مطالب کاملاً بعکس است . این مدافعان و طرفداران دولتند که عده ای معدودند که حتی نام یک اقلیت نیز نمیتوان به آنان داد . مسئولان تشکیل اجتماعات دولتی نیک میدانند که دولت هنگامی که میخواهد عده ای را بطرفداری از خود در جانی گرد آورد و اجتماعي تشکیل دهد با چه دردسرها و اشکالی روبروست تا آنجا که مجبور است حتی کارمندان فرورفته ی خود را نیز با تهدید یا تطمیع به محل اجتماع بکشاند . اینها هنگامیکه این را با اجتماع عظیم وسیل آسای مردم قم و تبریز و تهران و سایر شهرها مقایسه می کنند و می بینند که باید ، اشاره ی به توانایان مذهبی چگونه قشرهای مختلف مردم در جماع و مساجد گرد می آیند یا در خیابانها تظاهرات می افتند یا مغازه ها و کارگاهها ی خود را تعطیل می کنند یا کلاسها در مدارس ترک میگویند . . . خود قلباً از طاعن و تعددین می کنند که گروه مخالفان دستگاه حاکم ، یک اقلیت گمراه و فریب خورده نیست بلکه یک اکثریت آگاه و بپا راده و زمان شناس است کسسه از موقعیت متزلزل حکومت ایران واضطرارهای جهانی آن استفاده می کند و خشم فروخورده چندین ساله خوف را به راز در راهبان با درک اهمیت حقیقت است که یکی از سخنگويان رژیم در مساجد و اجتماعات قشرهای فعال در تظاهرات اخیر یعنی روحانیون ، دانشجويان و سازرگان و پیشه وران را ساخت . ساختن سخن آنکه بالحنی تلقین آمیز می گویند که گروههای متزبور را بدست آورد بالحنی رسا اعتراف می کند که همه ی گروههای نامبرده در عملیات مخالفت آمیز علیه دستگاه ، شرکت و دخالت داشته اند .

دستگاه حاکم ایران باید بداند که نه تنها اکثریت مردم ایران بلکه همه ی کسانی که در سطح جهانی مسائل ایران سرخورد داشته اند ما صحت قضایای کشور ما را میدانند و از فقدان آزادیهای مدنی و حقوق انسانی در این کشور خوبی آگاهند . آنان هنگامیکه از قول دیپلمات ایرانی در اروپا می شنوند که این تظاهرات اخیر ایران را دلیل وجود آزادی و تظاهرات کنندگان را مخالف آزادی ! معرفی می کند از خود می پرسند آیا دولت آزادیخواه و دموکرات ایران !! در برابر این تظاهرات چه عکس العملی نشان داد ؟ آیا عاقلانوار که در کشورهای آزاد معمول است پلیس را به حفاظت از تظاهرات کنندگان گماشت ؟ یا آنان را با خشن ترین وجهی تا روز ما ساخت و حتی مأمورانی را که در نایب و سرکوب تظاهرات و تظاهرات کنندگان لیاقت سخرخ داده بودند تشویق و ترضیح کرد و آنها را که در این مأموریت سستی و تردید نشان داده بودند مورد مؤاخذه قرار داد ؟ . . . مردم دنیا

اهمیت نقش روحانیون در هدایت مبارزات مردم مسلمان (۲)

متسن نامه افشاگر . . .

صفحه ۳

میگویند آن تظاهراتی دلیل آزادی است که با گلوله و رگبار آتش قداره بندگان حکومت، پاسخ داده نشود و درها بسته وزخمی و مدتها زندانی و تبعیدی برجای نگذارند. آن تظاهراتی را میتوان دلیل وجود آزادی بدانند که انگیزه آن اختفای و فشار بیش از حد تحمل نباشد. وقتی تظاهرات کاملاً آرام قم با جانان قساوت و حشایشای روبروی شود و وقتی تشکیل مجالس ترحم شهدای قم و تبریز با جانان خشونت احقانه ای سرکوب می گردد و وقتی گرامیداشت خاطره ی شهیدان تبریز، در قم و یزد و جهرم و اهواز و . . . به خشونت های کما بیش مشابهی منجر می شود چگونگی، مقام رسمی شرم نمی کند که چنین تظاهرات سرکوب شده ای را که طی آن عده اند غیر نظامی بی سلاح، با اسلحه پلیس درو شده اند، دلیل وجود آزادی و دموکراسی قلمداد نماید؟!!

تشخیص و برداشت واقع بینانه ی ایرانیان و بسیاری از جهانیان از مسائل ایران موجب آنست که همه ی تظاهراتی نیز که حکومت برای موجه نشان دادن موقع خود بکار می بندد در چشم ناظران ایرانی و بیگانه و تلاشهای ناموفقش جلوه کند که غرض آن همانا تحریف حقایق و همراه کردن آن ها و در نتیجه ادامه دادن ستم موجود است.

همچنین در ایران شك ندارد که تشکیلات ضد مردمی جدیدی که بنام " کمیته اقدام ملی " نامیده شده همان دستی است که کمترین و بیشترین یزد و جهرم و اهواز را راه انداخته و اکنون از استیمن کمیته ای که میخواهد خود را بنام يك واحد ملی جابزند بیرون آمده است. همه میدانند که تظاهرات ضد دولتی را ملت براه انداخته و بر آن فشاری کرده است. پس این کسدام " ملت " دیگر است که میخواهد از این پس به جنگ ملت ایران بپردازد و صداعا را در گلو خفه کند؟! جای کترین تردید نیست که اولیای حکومت، چون نیروهای پلیس و ارتش را بر رویا- روشی با ملت و برادر کشی و سنگسار کشی، دارای کارائی لازم نیافته اند دست به تشکیل جمعیتی از گستاخ ترین و بی پروا ترین عناصر آدم میخواورزده و میخواهند جامعه های احتمالی آینده و گستاخ های جمعی و شاید نیز تروریستی فردی خود را بنام " کمیته اقدام ملی " انجام دهند. از هم اکنون میدانیم و الجمله آن داریم که این تدبیر نیست محکوم بشکست است و اینگونه اقدامات مذمومانه نخواهد توانست آب رفته را بجوی برگرداند و برای دستگامی که روبروی مردم قرار داشته و هرگز نخواستار اراده و قدرت ملت را بجیزی بگیرد، آبروش درست کسد.

در پایان، یاد شهادت برادران یزدی را گرامی و مقدس دانسته عزت و سرافرازی و موفقیت جنابعالی و دیگر علمای آگاه و متعهد یزد را که ملجأ و پناهگاه و پشتیبان و همراه مردم بوده و در ارشاد و هدایات خلق کوشیده اند از خالص و متعال مشکلات می نامیم.

ا که سمیع مجیب. والسلام علیکم وعلی عابدالله الصالحین.

۱۶ فروردین ۱۳۵۷ - ایرانشهر (دایران پنده)

سید علی خامنه ای

(تکثیر از طلاب حوزه علمیه قم)

برای بازگشت تبعیدیان

نستوه پیا خیزیم

